

آینه

آقای روحانی! با عرض پوزش…

● **حسین شریعتمداری:** آقای رئیس‌جمهور توصیه می‌فرمایند «قلم‌ها را به بهانه واهی نشکنیم، دهان‌ها را به بهانه‌های غیراساسی نبندیم، بگذاریم در این جامعه آزادی باشد و…» و توضیح نمی‌دهند که اگر تا این اندازه به آزادی بیان و قلم اعتقاد دارند چرا تاکنون کمترین انتقادی از سوی منتقدان خود و دولت خویش را برننافته و با الفاظی که از ایشان دور از انتظار بوده و هست به آنان تاخته‌اند؟! «بی‌سواد، بی‌شناسنامه، مزدور، کاسب تحریم، کودک‌صفت، حسود، بزدل، ترسو، جیب‌بر، بی‌قانون، مستضعف فکری، بیکار، متوهم، غوطه‌ور در فساد، سوءاستفاده‌گر، خرابکار، عقب‌مانده، تازه به دوران رسیده، عصر حجری، هوچی‌باز، منفی‌باف، یاس‌آفرین، ناشکر، باید به جهنم بروند!»… و اخیرا انقلابیون نفهم، یک مشت لات! و… این همه اهانت به منتقدان در حالی است که ایشان ۱۲ مردادماه ۹۲ در تکرار نقض حکم ریاست‌جمهوری‌شان فرموده بودند «بنام می‌برم به خدا، از بستن دهان منتقدان!» ضمن آن که تاکنون بارها معلوم شده است نظر و نگاه منتقدان بر حق بوده و دولتمردان محترم در پیش‌بینی‌های خود راه به خطا برده‌اند که برجام و دستاوردهای به قول آقای سیف «تقریبا هیچ» آن در جمله آنهاست. آقای روحانی که فقط هفت ماه از دوران چهار ساله ریاست‌جمهوری ایشان باقی مانده است و چه قبل و چه بعد از انتخابات بیشترین تأکید را بر ایجاد اشتغال داشته‌اند، می‌فرمایند: «اگر نتوانستیم برای جوانان این کشور شغل ایجاد کنیم، انقلابی نیستیم!» اظهارات ایشان به گونه‌ای است که انگار سه سال و چند ماه گذشته صدها هزار و یا میلیون‌ها– شغل ایجاد کرده‌اند ولی مردم از درک و فهم آن عاجز بوده‌اند! آیا جناب روحانی نظر مستند دولتمردان خود را باور ندارند که از تعطیلی صدها هزار مرکز و کارگاه تولیدی خبر می‌دهند و وزیر محترم کار به صراحت اعلام می‌دارد هر پنج دقیقه یک نفر بی‌کاری می‌شود! و یا بی‌کاری کردند و رو به گسترش موجود را ندیده‌اند؟! آیا منظور آقای روحانی از اینکه «اگر نتوانستیم برای جوانان این کشور شغل ایجاد کنیم، انقلابی نیستیم» دولت خود ایشان است؟! که علی‌رغم آن همه وعده و وعید، نه فقط در ایجاد اشتغال ناکام بوده است بلکه هر یک یکی و تعطیلی بسیاری از مشاغل نیز افزوده‌اند؟! به جقین منظور رئیس‌جمهور محترم از این اظهارنظر که «اگر…» انقلابی نیستیم؟! دولت خود ایشان نیست، پس منظورشان چیست؟! و مخاطب آن کیست…!؟

اعتراض

مخالفان با هدف تخریب برجام، بدترین اتهامات را متوجه نظام جمهوری اسلامی نکند

● **سیدحسین موسویان:** یکی از مهم‌ترین ایرادهای مخالفان جهانی برجام به برجام این است که موجب رفع تحریم‌های ایران شده، پتانسیل ایران را آزاد کرده تا قدرت بلامنازع منطقه شود. فراموش نکنیم که روسیه بعد از برجام سیستم موشکی اس-۳۰۰ را به ایران داد، زمانی که من در شورای امنیت مسئول کمیته سیاست خارجی بودم همراه دکتر روحانی در سفر مسکو بودم، دکتر روحانی در ملاقات با پوتین از وی خواست که سیستم موشکی اس-۳۰۰ را به ایران بدهند. پوتین هم موافقت کرد. خدا می‌داند که ما چقدر از این توافق راضی بودیم و بعدها هم ما مرتب یکبارگی می‌کردیم که بخش نظامی کشور زودتر این توافق را اجرا کند. هیچ تردیدی نیست که برجام بر قدرت استراتژیک منطقه‌ای ایران افزوده است، اینکه بعد از برجام عربستان هم کنترل خود را از دست داد و دیوانه‌وار به بین حمله نظامی کرد و از ترویرست‌ها حمایت می‌کند، برای مقابله با افزایش قدرت منطقه‌ای ایران است. منتهی سیاست عربستان روزبه‌روز موجب تضعیف بیشترشان شده و در گراب یمن فرو رفته‌اند. تا حالا بیش از صدمیلیارد دلار خرج حمله به یمن کرده‌اند و همچنان ناکامند. ایران در پی آن است که به خاطر قدرت، تاریخ و تمدنش یک قدرت منطقه‌ای باشد و به عنوان یک قدرت منطقه‌ای مورد احترام باشد و این هدف کماکان موتور محرک سیاست خارجی ایران است.

ایران

روحانی گزینه اصولگرایان معتدل درانتخابات سال آینده است
● **بهروز نعمتی:** آقای باهنر و خیلی از اصولگرایان این طیف در جاهای زیادی با اصولگرایان تندرو هم‌موضوع و همراه بوده‌اند و اتفاقا تعداد آن مخالفت‌ها هم چندان کم نیست‌اما فرقی‌ش این است که اصولگرایان سنتی طوری وارد دعوا و اختلاف نمی‌شوند که هیچ وقت توان آن را رفع و رجوع کرد.بعنی در رقابت قدرت با اصولگرایان هم می‌کنند و رعایت برخی موارد را مد نظر دارند. اما معتقد نیستم که سنتی‌ها بتوانند تأثیری بر روی پایداری‌ها و تندروها بگذارند. طیف‌هایی نظیر پایداری در نظرات خود بسیار متضبل‌تر هستند و چون بی‌پروا دست به اقدام می‌زنند، البته خواه ناخواه در جاهایی محکوم به پیروی از آنها می‌شوند. به همین اعتبار معتقدم که در جریان چنین انتلافی سنتی‌ها بیشتر به رنگ تندروها درمی‌آیند و نشانه و نمونه آن هم همین سخنان آقای باهنر است که قیلا گفته بود آقای روحانی در میان ۳۰ گزینه اصولگرایان خواهد بود و بعد گفت که چنین نیست. تغییر حرف ایشان مطمئنا تأثیر فشار گروه‌های مخالف دولت است.

سیاست

گفتاری از عمادالدین باقی

چرا جنگ می‌کنیم؟ چگونه صلح می‌شود؟



عسل

امیر:جرجی:شرقی

خودجوش و سازمان را (به معنی سازمان‌داده‌شده) به یک معنا به کار می‌برند و منظور از نظم هر دو آنهاست. «جامعه عمل می‌کند»، «جامعه برخورد می‌کند»، «جامعه پاداش می‌دهد»، «کنترل می‌کند» بیانگر صنع‌گرایی است.

هایک در بخش‌هایی از کتاب خود به بررسی این موضوع می‌پردازد که شکل‌های افراطی خردگرایی صنع‌گرا که هیچ محدودیتی برای کاربرد آگاهانه خرد نمی‌شناسند، در تاریخ بارها به طغیانی علیه خَرد منجر شده است. اما میل به استفاده از خرد جهت تبدیل جامعه به ماشینی که به‌طور عقلانی اداره می‌شود، همچنان پابرجاست. شاید هیچ‌کس به‌روشنی هکل این‌فوق خردگرایی که تبدیل به سرچشمه ضدخردگرایی و توتالیترایسم شده است را ندیده باشد.

او با بیان مستندات و استدلال‌هایی، عقل‌گرایی دکارتی را که تمدن جدید غربی بر آن بنیان نهاده شده، سرچشمه پیدایش نظام‌های فاشیستی و توتالیتر در غرب دانسته است؛ زیرا به نظر او جایگاهی که دکارت به عقلانیت بخشید اساس صنع‌گرایی بود و انسان را به این باور رساند که قادر به مهندسی جامعه و طبیعت است. نفی هرآنچه نتوان صدقش را با معیارهای عقلانی اثبات کرد و تلقی آن به‌عنوان عقیده محض، ویزگی عمده نهضتی است که دکارت راه انداخت… بنابراین هرآنچه موفقیت‌های بشر را امکان‌پذیر کرده محصول تفکر استدلالی است. نهادها و شیوه‌های عملی که به این صورت طراحی نشده‌اند، فقط به صورت اتفاقی می‌توانند سودمند باشند. این تصورات تبدیل به رویکرد بارز صنع‌گرایی دکارتی شد که توأم با تحقیر سنت، آداب و رسوم و تاریخ به‌طورکلی است. تنها عقل انسان می‌تواند او را قادر به ساختن جامعه از نو کند. این دیدگاه خردگراییانه در واقع به معنی سقوط دوباره به دامن

شیوه تفکر انسان‌وارانگانه گذشته بود. این دیدگاه گرایشی در سنت غربی شرقی و اسلامی شیوه بسیاری می‌توان برایش یافت و ابداع متفکران متأخر نیست اما یکی از متأخرانی که آن را به خوبی تبیین کرده، فردریش فون هایک است که این روزها بدون توجه به کنه نظریات او و جنبه‌های سودمندش، برخی درصدد برچسب‌سازی از وی هستند. هایک دو نوع نظم را از هم تفکیک می‌کند. نظم مصنوع در برابر نظم خودجوش با نظم رشدیافته. او به

مدیون چنین طرح عمادنه‌ای است. این شرح مقصودگرایانه یا پراگماتیک تاریخ، کامل‌ترین شکل خود را به صورت تشکیل جامعه از طریق یک قرارداد اجتماعی، ابتدا نزد هابز، سپس نزد روسو پیدا کرد… برترانگاشتن هرآنچه به صورت ارادی یا آگاهانه انجام می‌شود؛ تفکری که امروزه نیز همچنان غالب است، مبتنی بر این مفهوم فلسفی است و معنای تحقیرآمیز «ناعقول» یا «غیرعقلانی» نیز از همین‌جا سرچشمه می‌گیرد. به این علت، تلقی تأییدآمیز از نهادها و عادت‌های سنتی یا مستقر جای خود را به تلقی‌ای منفی داد، چیزی که با عقل اثبات‌شدنی یا تعیین‌کردنی نیست؛ بنابراین نمی‌تواند شالوده‌ای برای تصمیم‌گیری باشد. هایک سپس به نقد این رویکرد پرداخته و در ادامه این نقد، گفتاری دارد با عنوان: «محدودیت دائمی شناخت ما از واقعیه‌ها» و چگونگی برآمدن خردگرایی صنع‌گرا را توضیح می‌دهد که در نهایت به عصیانِ علیه خرد منتهی شد و از درون آن نظم‌های تصنعی و مهندسی‌شده به‌عنوان عقلانیت و در نتیجه، نظام‌های توتالیتر زاده شد. او حتی نشان می‌دهد چگونه این تفکر در علوم انسانی راه یافته و برای مثال جامعه‌شناسی صنع‌گرا به‌عنوان جامعه‌شناسی مسلط شکل گرفته است.

تفکر صنع‌گرایانه مبتنی است بر پیش‌فرض بدیهی انگاشته‌شده قابلیت مهندسی‌شدن جامعه؛ تفکری که در اقتصاد و سیاست نفوذ عمیقی پیدا کرد. حتی امروز افرادی که در سلک روحانی هستند، کتاب می‌نویسند یا موضوع «الگوهای مهندسی فرهنگی»، بدون التفات به اینکه این نگرش ریشه در سنت تفکر مارکسیستی دارد، ولی سخن گفتن از مهندسی فرهنگی، مهندسی اقتصادی و مهندسی اجتماعی سکه روز شده و آن را با مدیریت فرهنگی یا مدیریت اقتصادی یکسان پنداشته‌اند. تصور می‌کنند جامعه با فرهنگ یا اقتصاد، خمیری است در دست نجبگانی که هر طور خواستند می‌توانند آن

برای ریشه‌کن‌کردن فقر در جهان تنها ۱۳۵میلیارد

آینه دیروز

۹سال پیش درچین روزی
● مقام معظم رهبری خطاب به فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی: جامعه را برای مردم امن و برای اخلاک‌ران ناامن کنید
● سخنگوی وزارت خارجه: ژانسنس اتمی همکاری‌اش با تهران را تحکیم ببخشد
● مصباحی‌مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت: جبهه متحد اصولگرایان ارتباط خوبی با روحانیت دارد

● دبیرکل حزب اعتماد ملی: سرنوشت خود را به دیگر اصلاح‌طلبان کره نمی‌زنیم
● حدادعادل: از مطبوعاتی که افشاگر فساد باشند تقدیر می‌کنیم
● قائم‌مقام وزارت بازرگانی خبر داد: پیشنهاد ۷۳۰ میلیارد تومان جایزه صادراتی وزارت بازرگانی به مجلس

● وزیر خارجه عراق: آرای ۹ تیعۀ ایرانی نشانه خوبی برای دور بعدی مذاکرات درباره عراق است
● معاون وزیر خارجه روسیه: موضع مسکو درباره ایران با دریافت هیچ امتیازی از آمریکا مبادله نمی‌شود

اعتراض

● مقام معظم رهبری: نیروی انتظامی طرح امنیت اجتماعی را با قدرت ادامه دهد
● حدادعادل: از افشاگری اصلاح‌طلبانه مطبوعات استقبال می‌کنیم
● دبیرکل مؤتلفه اسلامی: مخالفان جمهوریت نظام صلاحیت نمایندگی ندارند
● سخنگوی وزارت خارجه: پرونده هسته‌ای ایران وارد مرحله جدیدی شده است
● باهنر، نایب‌رئیس مجلس: نمایندگان در مجلس نمی‌توانند درخصوص هفت الی هشت درصد بودجه ریز بشوند و آن را برانداز کنند

ایران

● احمدی‌نژاد: هیچ تهدیدی ایران را متوقف نمی‌کند
● وزیر کشور در دیدار با وزیر خارجه هند: استراتژی ما تداوم مسیر مذاکره و گفت‌وگو با آژانس به عنوان تنها مرجع قانونی سازمان ملل درخصوص مسائل هسته‌ای است
● معاون پارلمانی رئیس‌جمهور: نظارت دولت و مجلس بر بودجه دقیق‌تر می‌شود
● وزیر کشور: ایران از ظرفیت بالایی برای مقابله با تهدیدهای آمریکا برخوردار است
● سخنگوی وزارت خارجه: هیچ اختلافی میان مسئولان نظام درباره برنامه هسته‌ای وجود ندارد

اعتبار

● مقام معظم رهبری: همه آحاد جامعه با هر مذهب، قومیت و گرایش سیاسی در برخورداری از امنیت همیشه «مذاکره» محل و موضوع بحث و نظریه‌پردازی است، درحالی‌که «عدم مذاکره» همیشه کمتر از آن نیست؛ به عبارت دیگر پدیده‌ای مانند داعش محصول عدم مذاکره است.
● ممکن است بگویید کسی که در پی جنگ و کشتار است، مذاکره نمی‌کند؛ اتفاقا اصرار بر مذاکره، اصل مشروطیت او را برمی‌اندازد و به مذاکره که عدم مذاکره، مشت طرف باز می‌شود. اگر مذاکره نکند، منزوی می‌شود و اگر مذاکره کند، مجبور می‌شود به قواعد آن تن بدهد و وقتی تن ندهد و مایعیت داعشی آن روشن شود، جنگیدن با آن آسان‌تر است.
● همین امروز در کلمبیا پس از پنج دهه جنگ میان گروه مسلح مارکسیستی فارک با دولت و چهار سال مذاکره هم‌بررسی برگزار شد؛ اما جنگی که تاکنون بیش از ۲۲۰هزار کشته معادل جنگ هشت‌ساله ایران و عراق داشته و هفت میلیون آواره و ۲۵ هزار ناپدید و ۳۰ هزار روبروده‌شده با دورادگاه راسخ موافق و مخالف برای صلح مواجه است. قرار است شورشان مسلح فارک از این پس وارد فاز سیاسی شوند و رقابت دموکراتیک داشته باشند. موافقان صلح، ادامه جنگ را بیهوده و زیان‌بار می‌دانند و مخالفان معتقدند این صلح، دادن امتیاز و پاداش به یک گروه تروریستی است و آنها نمی‌توانند خون کشته‌شدگان‌شان را بربرادرفته ببینند و معتقدند تفکر مارکسیستی فارک این‌بار از طریق نهادهای سیاسی به اقتصاد و سیاست کشور صدمه می‌زند؛ اما واقعا چه راه‌حل دیگری وجود دارد؟ (۲)

● احمدی‌نژاد خبر داد: اختصاص ۱۴۰ میلیارد ریال اعتبار برای شروع عملیات راه‌آهن شرق کشور
● سارکوزی: تا ابد هم‌پیمان آمریکا خواهیم ماند
● فروش تراکم مزاد در تهران ممنوع شد
● معاون ستاد کل نیروهای مسلح: ایران برای ضربه‌زدن به منافع آمریکا از فعالیّت‌های مهم مجلس برخوردار است

اطلاعات

● مقام معظم رهبری: نیروی انتظامی در ادای وظایفی که برعهده دارد بدون توجه به برخی جوسازی‌ها و مخالفت‌ها به وظیفه خود عمل کند
● احمدی‌نژاد: صدور قطع‌نامه شورای امنیت علیه فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران یک اشتباه است
● وزیر کشور: انحصارطلبی‌های اقتصادی جامعه جهانی را آسیب‌پذیر کرده است
● وزیر ارشاد: دشمنان فرهنگ ملت را هدف قرار داده‌اند
● مرکل، صدراعظم آلمان: برلین راه‌حل دیپلماتیک را برای مسئله هسته‌ای ایران ترجیح می‌دهد
● نخست‌وزیر ایتالیا: ایران حق داشتن برنامه هسته‌ای را دارد

دلار نیاز است، درحالی‌که فقط در سال ۲۰۱۳ کشورهای جهان هزارو ۷۳۵میلیارد دلار صرف جنگ کرده‌اند و فقط با وجود دولت‌های صلح‌گرا فقر به‌سادگی ریشه‌کن خواهد شد.
● جنگ همه‌اش بر سر منافع مادی نیست، بر سر منافع ایدئولوژیکی هم هست؛ یعنی ریشه‌های معرفتی هم دارد و اگر بپذیریم که ایدئولوژی نیز پوششی است برای منافع، باز چیزی تغییر نمی‌کند.
● برخی اصل جنگ را به رسمیت شناخته‌اند و تاریخ را عرصه نبرد طبقات می‌دانند و این گزاره صرفا توصیفی نیست، تجویزی هم هست. ایدئولوژی‌های بنیادگرای اسلامی، مسیحی، یهودی و بودایی هم جامعه و تاریخ را عرصه جنگ با غیرهم‌کیشان می‌دانند.

صلح ومذاکره

تفکر تضادانگارانه و جنگ‌طلبانه، مذاکره را یک تاکتیک می‌داند که در شرایط ضعف به آن تن می‌دهد و در شرایط قدرت از آن استکفاف می‌کند؛ اما در تفکر صلح‌طلبانه، «مذاکره» یک استراتژی است به‌همین‌دلیل در قرآن می‌گوید وقتی دشمن، همان دشمنی که جنگ را شروع کرده، به صلح تمایل نشان می‌دهد، با وجود توانایی ادامه جنگ موظف هستید صلح کنید: «و ان جنحوا للسلام فاجنح لهما»، چون صلح یک استراتژی است نه تاکتیک. در ادب پارسی دیده می‌شود که حتی در متن جنگ، برای صلح مذاکره می‌کردند، چنان‌که در گفت‌وگوی یوسه با رستم آمده است:

مرا آشتی بهتر آید ز جنگ/ نباید گرفتن چنین کار

تنگ
● مذاکره، هم یک وسیله پاسداشت صلح است و هم وسیله رسیدن به صلح. نظریه‌ها و عقاید و روحيات ضد مذاکره در عمل، نظریات حامی جنگ هستند.

مذاکره هم اصول و فروعی دارد که کسی نمی‌توانسد بگوید موافق مذاکره است؛ ولی این اصول و فروع را قبول ندارد؛ مثل اینکه کسی بگوید اسلام یا مسیحیت یا مارکسیسم را قبول دارم؛ اما پیش‌فرض است که باید منافع هر دو طرف دیده شود. یکی دیگر از آنها نسبی‌گرایی است؛ اینکه طرف مذاکره، نشی، نیست، یک موجود خلاق و سیال است. اگر طرف مذاکره یک شخص واحد تجزیه‌ناپذیر هم باشد بی‌اعتمادی مطلق، روایی ندارد، زیرا یک شخص واحد نیز ممکن است دیروز و امروز و فردایش متفاوت باشد. انسان، جماد نیست، حال چه رسد که طرف مذاکره یک کشور دارای تنوع و تکثر و… باشد. دشمن‌انگاری هر رقبی هم یکی دیگر از موانع مذاکره است. به قول آقای روحانی نباید دشمن‌انگاری کنیم و همه را دشمن بدانیم.

عدم مذاکره

حال ممکن است سؤال شود آیا با جنایت‌پیشگانی مانند داعش هم می‌شود مذاکره کرد؟ مبحث می‌شوم همیشه «مذاکره» محل و موضوع بحث و نظریه‌پردازی است، درحالی‌که «عدم مذاکره» همیشه کمتر از آن نیست؛ به عبارت دیگر پدیده‌ای مانند داعش محصول عدم مذاکره است.

● ممکن است بگویید کسی که در پی جنگ و کشتار است، مذاکره نمی‌کند؛ اتفاقا اصرار بر مذاکره، اصل مشروطیت او را برمی‌اندازد و به مذاکره که عدم مذاکره، مشت طرف باز می‌شود. اگر مذاکره نکند، منزوی می‌شود و اگر مذاکره کند، مجبور می‌شود به قواعد آن تن بدهد و وقتی تن ندهد و مایعیت داعشی آن روشن شود، جنگیدن با آن آسان‌تر است.
● همین امروز در کلمبیا پس از پنج دهه جنگ میان گروه مسلح مارکسیستی فارک با دولت و چهار سال مذاکره هم‌بررسی برگزار شد؛ اما جنگی که تاکنون بیش از ۲۲۰هزار کشته معادل جنگ هشت‌ساله ایران و عراق داشته و هفت میلیون آواره و ۲۵ هزار ناپدید و ۳۰ هزار روبروده‌شده با دورادگاه راسخ موافق و مخالف برای صلح مواجه است. قرار است شورشان مسلح فارک از این پس وارد فاز سیاسی شوند و رقابت دموکراتیک داشته باشند. موافقان صلح، ادامه جنگ را بیهوده و زیان‌بار می‌دانند و مخالفان معتقدند این صلح، دادن امتیاز و پاداش به یک گروه تروریستی است و آنها نمی‌توانند خون کشته‌شدگان‌شان را بربرادرفته ببینند و معتقدند تفکر مارکسیستی فارک این‌بار از طریق نهادهای سیاسی به اقتصاد و سیاست کشور صدمه می‌زند؛ اما واقعا چه راه‌حل دیگری وجود دارد؟ (۲)

بررسمیت‌شناختن

یکی از حرف‌های عجیب این‌است که با برخی جریان‌ها نباید مذاکره کرد، زیرا نفس قبول مذاکره باعث بررسمیت‌شناختن آن است؛ این حرف عوام‌پسند، دشمن فرابند مذاکره است. به کسی گفته است مذاکره یعنی بررسمیت‌شناختن طرف مذاکره؟ اگر دو طرف همدیگر را به رسمیت بشناسند که احتمالا دیگر جنگی رخ نمی‌دهد. مذاکره متخاصمین مربوط به وقتی است که دو طرف همدیگر را به رسمیت نمی‌شناختند و جنگ رخ داده است. می‌توان همدیگر را به رسمیت نشناخت و مذاکره کرد تا جلوی زیان‌های بیشتر گرفته شود. آیا پیامبر اسلام که با مشرکان مذاکره می‌کرد، قرارداد صلح می‌بست و حتی شرط آنان مبنی بر حذف نام محمد رسول‌الله (ص) را پذیرفت، مشرکان را به رسمیت شناخته بود؟

ادامه در صفحه ۷